

ساماندهی روابط اجتماعی در قرآن

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در یادداشتی به اینکنا تاکید کرد:



عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در یادداشتی به اینکنا تاکید کرد: قرآن خواهان تحول و سامان یابی روابط اجتماعی و سیاسی بر اساس «برادری و خواهری دینی» است.

محمد عابدی به گزارش اینکنا، حجت الاسلام و المسلمین محمد عابدی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی یادداشتی را در اختیار اینکنا قرار داده است.

متن یادداشت به شرح زیر است:

قرآن، خواهان تحول و سامان یابی روابط اجتماعی و سیاسی بر اساس «برادری و خواهری دینی» است. خوب به یاد دارید که اوایل انقلاب همه همدیگر را برادر و خواهر خطاب می کردند. این ادبیات انقلابی حتی در لایه های مختلف فیلم ها با ژانراهای مختلف نیز نفوذ کرده بود. این بخشی از تحولی بود که انقلاب اسلامی می خواست در روابط مردم و فلسفه جدیدی برای نوع ارتباط و همبستگی ایجاد کند در حالی که قبل از آن انواع مختلف فلسفه های اجتماعی و سیاسی، توصیه های متنوعی را در این مورد ارائه کرده بودند.

فلسفه مکتب مارکسیسم و سوسیالیسم که دنبال جامعه بی طبقه بود، عنوان «رفیق» را توصیه می کرد تا نشان دهد روابط اجتماعی بر پایه رفاقت و یکسانی است نه ارباب و رعیتی و سرمایه داری و ...؛ فرهنگ و مکاتب سرمایه داری و لیبرالی هم عنوان هایی مثل «شهروندی» و ... را توصیه می کردند. در این میان انقلاب اسلامی تلاش می کرد نشان دهد چون جوهره روابط مردم در جامعه بر پایه دین شکل می گیرد، افراد جامعه در واحدی به نام «امت» گرد می آیند و عامل همبستگی و پیوند دهنده روابط آنها، دین است.

از این منظر روابط اعضای جامعه نسبت به هم، برادری و خواهری دینی استوار است؛ پس ادبیاتی ایجاد شد که بر مبنای آن اعضای جامعه دینی و امت اسلامی، همدیگر را با عنوان برادر و خواهر خطاب می کردند. این مسئله ریشه قرآنی دارد. آنجا که مخاطبان قرآن هویت اجتماعی خود را در قالب های مختلفی جستجو می کردند، اما در آیه ۱۰ سوره حجرات به آنها توصیه شده، به جای اینکه روابط خود را بر اساس عناوین غیر دینی تعریف کنند، از عنوان «برادر دینی» استفاده کنند. «فانکم خوانکم فی الدین».

پیامبر اکرم (ص) نیز البته تلاش فراوانی در اقامه این فرهنگ مهم قرآنی داشت تا آنجا که فقط در صدر اسلام که با ۷۴۰ نفر در منطقه «نخيله» حضور داشتند میان اصحابش عقد اخوت بست و خود نیز با حضرت علی (ع) برادر شد. حتی در روایتها توجه داده می شود که برادری دینی از هر پیوند نسبی و خویشاوندی پایدارتر است. برادری نسبی در روزی گسسته خواهد شد (فلا آنساب بینهم)؛ ولی برادری دینی حتی روز قیامت پایدار است. (اخوانا علی سرر متقابلین). حتی اخوت در میان زنان مؤمنه نیز مورد تصریح قرار گرفته است. (وان كانوا اخوة رجالا و نساء)

بالتر اینکه بر اساس این نظام اندیشگی حقوق و تکالیفی نیز برای این وضعیت ترسیم شده است. برای مثال امام صادق (ع) چند مورد از حق مومن بر مومن را چنین برشمرده است: ۱- آسان ترین حق این است که آنچه برای خود می خواهی برای او نیز بخواهی و آنچه برای خود بد می دانی برای دیگران نیز بد بدانی. ۲- برای برطرف کردن نیازهای او تلاش و رضایت او را جلب کنی، امر و خواسته او را اطاعت کنی. ۳- به او با جان، مال، دست، پا و زبانت کمک کنی. ۴- چشم و راهنما و آئینه و پیراهنش باشی. ۵- طوری نباشد که تو سیر باشی و او گرسنه، تو پوشیده باشی و او برهنه و ...

اما چه شد که این عنوان که بر فلسفه قرآنی محکمی استوار است خیلی در جامعه اسلامی دوام نیاورد؛ نه در سطح ادبیات شفاهی و کتبی، نه در سطح قانونگذاری که بخواهد به اعضای جامعه از منظر برادر دینی بنگرد و حقوق و تکالیفشان را تنظیم نماید و نه در عرصه های دیگر. ناگفته نماند که در سطوحی مانند دفاع از مظلومان در سطح جهان اسلام هنوز رگه هایی از این ادبیات قرآنی را می توان مشاهده کرد.